

کارگران جهان متحد شوید!



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۵۷

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۲
۲ مه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود
www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk



بعد از چند دهه، مراسم اول مه در مرکز بغداد برگزار شد

به فراخوان حزب کمونیست کارگری عراق امروز ۳۰ آوریل، یک روز قبل از اول مه، مراسم اول مه در مرکز شهر بغداد برگزار شد.

امروز بین ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح در میدان فردوس در مرکز بغداد و در مقابل مقر مرکزی نیروهای آمریکائی، دو هزار نفر گرد آمدند و در حالیکه پرچمهای سرخ در سراسر میدان برافراشته شده بود، بعد از دهها سال اول مه را گرمائی داشتند و به سخنرانی سمیر عادل عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق گوش فرادادند. سمیر عادل در سخنرانی خود، که با استقبال گرم حاضرین روبرو شد، به اوضاع سیاسی عراق، نقش طبقه کارگر و حزب کمونیست کارگری عراق در تحولات سیاسی جاری پرداخت و حاضرین را به پیوستن به این حزب، بعنوان سخنگوی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه عراق دعوت کرد. شعارهای گرمی باد اول مه روز جهانی کارگر، برابری زن و مرد و خروج نیروهای آمریکائی از جمله شعارهای پلاکاردهای امروز بود. هزاران نسخه از نشریه مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق به نام الشیوعی العمالی، و مقالاتی از ریپوار احمد لیبر حزب درمورد تحولات سیاسی عراق و طرحها و برنامه های این حزب در این تجمع و در سطح بغداد توزیع شد. به دنبال این مراسم، حاضرین به بحث و گفتگو با کادریهای حزب درمورد اهداف و سیاست های حزب و آینده سیاسی عراق پرداختند.

فردا اول مه در شهرهای دیگر عراق مراسم های اول مه به فراخوان حزب کمونیست کارگری عراق برگزار خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری عراق
۳۰ آوریل ۲۰۰۳

"تغییر رژیم" و آلترناتیو چپ در عراق

حمید تقوائی



هنوز دولتی، حتی در شکل یک دولت موقت و انتقالی، بجای آن ننشسته است، بلکه اصولاً کسی نمیداند چنین دولتی چه ترکیب و شکلی خواهد داشت. یک جامعه جنگزده، از هم گسیخته و درهم کوبیده شده نصیب مردم از جنگ است، با آینده ای که اگر همچنان آمریکا، و کارگزاران بومی ملی-مذهبی-عشیره ای آمریکا، معمار آن باشند، بیشک اگر بلتر از گذشته نباشد، بهتر نخواهد بود.

از میان اهداف متعدد اعلام شده برای هجوم نظامی به عراق "تغییر رژیم" تنها هدفی است که آمریکا فعلاً به نیمی از آن دست یافته است. نه هنوز سلاح کشتار جمعی ای یافته اند (البته یجز بمبهای خوشه ای و شیمیائی که خودشان به سر مردم ریخته اند و بقایایش تا سالها در عراق خواهد ماند) و نه هیچ شعبی از دموکراسی، با هر نوع تعریف و تعبیری از آن، در افق نمایانست. تازه همین "تغییر رژیم" هم هنوز در نیمه راه است. رژیم بعث رفته است اما نه تنها

از میان اهداف متعدد اعلام شده برای هجوم نظامی به عراق "تغییر رژیم" تنها هدفی است که آمریکا فعلاً به نیمی از آن دست یافته است. نه هنوز سلاح کشتار جمعی ای یافته اند (البته یجز بمبهای خوشه ای و شیمیائی که خودشان به سر مردم ریخته اند و بقایایش تا سالها در عراق خواهد ماند) و نه هیچ شعبی از دموکراسی، با هر نوع تعریف و تعبیری از آن، در افق نمایانست. تازه همین "تغییر رژیم" هم هنوز در نیمه راه است. رژیم بعث رفته است اما نه تنها

صفحه ۲

طی اجتماع بزرگی در کرکوک اول مه برگزار شد

صفحه ۴

اول مه امسال در ایران جلوه ای از آگاهی کارگران

صفحه ۵

روز جهانی کارگر در سراسر جهان گرمائی داشته شد

صفحه ۶

فراخوان اعتصاب از جانب معلمان

صفحه ۶

موقعیت جنبش اسلامی در آینده سیاسی عراق

صفحه ۳



اپوزیسیون راست پرو غرب، یک قربانی جنگ!

صفحه ۴



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

تغییر رژیم

گفت متقابل یکدیگر، قابل بررسی است؛ از نقطه نظر اهداف و منافع سیاسی-نظامی آمریکا و از زاویه سرنوشت جامعه و مردم عراق.

جایگاه جنگ و تغییر رژیم در سیاست خارجی آمریکا

ما بارها بر این واقعیت تاکید کرده ایم که هدف آمریکا از تهاجم نظامی به عراق یک هدف محلی و حتی منطقه ای نیست و ربطی به اهداف اعلام شده نظیر خلع سلاح و صدور دموکراسی و مقابله با تروریسم و غیره ندارد. حتی تغییر رژیم عراق نیز فی النفسه و باعتبار خود جای مهمی در سیاست خارجی آمریکا اشغال نمیکند. هدف واقعی آمریکا، که سیاست گذاران آن کشور حتی اضرائی در پنهان کردنش ندارند، شکل دهی به یک نظم نوین جهانی است که در آن موقعیت آمریکا بعنوان تنها ابر قدرت تثبیت شده باشد. عدم تبعیت از موازین و نهادهای بین المللی، فعال مایشانی و خودسری و بنیال خود کشیدن اروپا و قدرتهای صنعتی، و میلیتاریسم و قدرتمندی نظامی همه از اجزای لازم رسیدن به این هدفند. جنگ عراق دقیقاً بخاطر خدمت به این اهداف در دستور دولت آمریکا قرار گرفت. هیچیک از این عوامل ربط خاصی به عراق و رژیم صدام نداشت. عراق تنها بخاطر این انتخاب شد که با توجه به سابقه رژیم صدام و جنگ اول خلیج از نظر دیپلماتیک تبلیغی کاندید مناسبی به شمار میرفت. در نهایت هم، چنانکه دیدیم، جنگ علیرغم اینکه هیات حاکمه آمریکا در همین سطح دیپلماسی و تبلیغات موفقیت چندان نداشت، و در مقابل اعتراضات دهها میلیونی مردم جهان آغاز شد و به سرانجام رسید.

وقتی جنگ عراق را بر زمینه عمومی استراتژی نظم نوین جهانی بررسی کنیم آنوقت روشن میشود که قبل از هر چیز خود جنگ، نفس تهاجم نظامی به عراق، بیش از نتایج سیاسی آن به اهداف آمریکا خدمت میکند. با این جنگ معلوم شد که آمریکا میتواند راسا و علیرغم مخالفت دولتهای تا دیروز همپیمانش، علیرغم تصمیم نهادهای بین المللی و در مقابل اعتراضات گسترده مردم جهان به کنسوری حمله کند، آترا به اشغال خود در آورد، و آنطور که خود میخواهد در آن "دولت سازی" و یا بقول خودشان "ملت سازی" کند. این دیگر نه جنگ کره و ویتنام است و نه حتی گرانادا و پاناما و کوسوو. این نوع جدیدی از جنگ در دنیای جدیدی است که تنها یک قطب و یک ابرقدرت دارد و یا قرار است داشته باشد. اسم این نوع جنگ را حمله

پیشگیرانه گذاشته اند و به گفته استراتژیستهای نوکسرواتیو هیات حاکمه آمریکا، سیاست خارجی این کشور از این پس بر این مبنا استوار خواهد بود. وقتی هدف قدرتمندی و کسب مقام ژاندارمی جهان باشد، تهاجم نظامی و میلیتاریسم، تا زمانی که همه در مقابل این قدرت سر خم نکرده اند، تنها راه است.

معضل حکومت آتی عراق

اما گذشته از اهمیت درخود جنگ در سیاست آمریکا، اکنون که جنگ به پایان رسیده خواه ناخواه مساله حکومت و نظام آتی در عراق به مساله محوری تبدیل شده است. روشن است که این مساله نیز از نقطه نظر فاتحین جنگ باید مانند خود جنگ به نفع تثبیت سلطه آمریکا بر منطقه و نهایتاً بر جهان حل شود. این یکی از محصولات سیاسی پیروزی نظامی در عراق است که اگر با معماری و طبق نقشه آمریکا به پیش نرود میتواند پیروزی آمریکا را بطور جدی زیر سؤال ببرد و آترا به یک شکست سیاسی تبدیل کند.

رامسفلد وزیر دفاع آمریکا در سفر اخیرش به قطر اعلام کرد که "آمریکا اینک وارد عصر نوینی شده است که در آن باید به اقدامات پیشگیرانه دست بزند. یکی از پیش شرطهایی که آمریکا بتواند در آینده نیز به اقدامات پیشگیرانه ای نظیر آنچه در عراق کرد دست بزند حل مساله حکومت در آن کشور به شیوه ای ابرقدرتانه و متناسب با این "عصر نوین" است. خصوصیات این راه حل همانطور که تا هم اکنون شاهد بوده ایم، عبارتست از اولاً تعیین حکومت آتی عراق بدون دخالت و یا کمترین مداخله از جانب سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی و سایر دولتها. هیات حاکمه آمریکا میباید به تنهایی مساله را حل و فصل کند و نهادهای دیگر، حتی دولتهای همپیمانش در جنگ، حداکثر تحت هژمونی و نظارت فائقه آمریکا نقشی جانبی و درجه دوم داشته باشند. ثانیاً حکومت آتی عراق باید تابع و حافظ منافع آمریکا باشد بی آنکه علناً دست نشانده و عامل مستقیم آن کشور به نظر بیاید. حکومتی مرکب از شیوخ و آیت الله ها و سران قبایل و عشایر رام شده، حکومتی از نوع حکومت کزای، میتواند چنین نقشی ایفا کند. و ثالثاً این حکومت باید بتواند "نظم و آرامش" لازم برای کارکرد سرمایه داری بازار آزاد در یک کشور عقب مانده را تأمین کند. عبارات دیگر سازمانداری یک نظام اجتماعی-اقتصادی مبتنی به کار آزان و کارگر خاموش، نظیر "دموکراسی" های نوع آمریکای لاتین در دوران جنگ سرد، هدف نهایی آمریکا در عراق است. این راه حل مطلوب هیات حاکمه آمریکاست که اگر عملی شود عراق و در درجه بعد خاورمیانه را، مانند آمریکای لاتین، به حیات خلوت آمریکا تبدیل خواهد کرد.

سناریوی سیاه

معنای عملی و واقعی نظم نوین

اما این "سناریوی مطلوب" آمریکا، لزوماً و با احتمال زیاد همان چیزی نیست که عملاً اتفاق خواهد افتاد. همه چیز گواه آنست که سناریوی محتمل چیز دیگری است. آمریکا به قدرت نظامی یک دیکتاتوری بیست و پنجساله را برکنار کرده است و خلا سیاسی را بوجود آورده که زمینه مناسبی برای رشد و میداندار شدن نیروهای مذهبی و قومی و قبیله ایست. دولتی که آمریکا میخواهد سرهم کند ناگزیر باید هم در دوره گذار و هم در نظام مستقر شده آتی در عراق، این نیروهای مافوق ارتجاعی را بحساب بیاورد و در قدرت سهیم کند. این نیروهای سیاه نماینده هیچ بخش و طبقه ای در جامعه، جامعه به معنای مدنی امروزی، نیستند بلکه مذاهب و عشایر و قبایل ماقبل مدنیت در عراق را نمایندگی میکنند و اگر حکومت را بدست بگیرند، و با احتمال بیشتر در خود پروسه شکل گیری این حکومت، شیرازه مدنی جامعه عراق را از هم خواهند پاشید و آترا به یک جامعه ملوک الطوائفی قرون وسطائی تنزل خواهند داد. و این نتیجه ناگزیر استراتژی نظم نوین جهانی است.

در جهان پس از جنگ سرد و پس از پیروزی و تفوق "دموکراسی سرمایه داری بازار آزاد"، آخرین شائبه های تمدن و مدنیت نیز از این "دموکراسی" رخت بر بست، برابری و آزادی و رهائی بهرام دیوار برلین درهم کوبیده شده بود و هر چه نشانه ای از این آرمانهای انسانی بر خود داشت باید حتی در غرب نیز از ایدئولوژی و فلسفه سیاسی دولتها، و از دموکراسی و لیبرالیسم جهان غرب، حذف میشد. راست جدید، نوکسرواتیوها، همه کاره شدند، هویت ملی و مذهبی و قومی و نژادی بر هویت اجتماعی افراد، بر هویت شهروندی، سایه انداخت و بخصوص در کشورهای جهان سوم و بلوک شرق سابق، اساس فلسفه حکومت و "دموکراسی" قرار گرفت. در این نوع کشورها جامعه به مجموعه ای از ملیتها و مذاهب و نژادها و اقوام مختلف تنزل پیدا کرد و دموکراسی حکومت نمایندگان این مذاهب و قبایل و نژادها تعریف شد. در بالکان و جمهوریهای سابق شوروی و در افغانستان و امروز در عراق دارند دموکراسی را به همین معنی مافوق ارتجاعی و قرون وسطائیش پیاده میکنند. این عارضه و نتیجه ناخوسته نظم نوین جهانی نیست، خود این نظم است. ایدئولوژیهای و سیاستمداران و قناره پندان خود را دارد. و اینها امروز در عراق دارند توحش مطلوب خود را سازمان میدهند. آینده را نمیتوان پیش بینی کرد اما یک چیز از هم اکنون روشن است: اگر کار همچنان بدست هیات حاکمه آمریکا باشد هر چه پیش آید، چه در سناریوی مطلوب آمریکا

و چه در سیر محتمل اوضاع، جامعه عراق گامها به عقب خواهد رفت.

حکومت عراق، آلتزنایو چپ

آمریکا و طلایه داران نظری و سیاسی و نظامی نظم نوین همه کاره تاریخ نیستند. ده ها میلیون انسانی که در اعتراض به جنگ بمیدان آمدند، مدنیت و جهان متمدن، در برابر این سیر قهقرائی قد علم کرده اند و پاسخ و راه حل خود را میجویند. سوسیالیسم تنها راه و پاسخ عملی مردم جهان در مقابل توحشی است که سرمایه افسارکسیخته میخواید بر دنیا تحمیل کند.

امروز در عراق این آلتزنایو جهان متمم از جانب حزب کمونیست کارگری عراق نمایندگی میشود. این حزب اعلام کرده است که نیروهای آمریکا و انگلیس باید فوراً از عراق خارج شوند و اداره امور عراق بمنظور ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه نظام سیاسی مطلوب خود را انتخاب کنند. باید بعهد سازمان ملل گذاشته شود. این اولین گام از حل مساله حکومت از زاویه منافع مردم عراق است. جامعه عراق علیرغم آنچه بیست و پنجسال دیکتاتوری صدام، و دوازده سال تحریم و جنگ وحشیانه پرچمداران نظم نوین بر سرش آورده اند، یک جامعه قرون وسطائی نیست، جامعه ای مدنی و مدرن است که نیروهای قومی و ملی و مذهبی نباید هیچ نقشی در سرنوشت اهالی آن داشته باشند. امروز با برکناری دیکتاتوری بعث از یکسو این نیروهای ارتجاعی میدان عمل پیدا کرده اند. و این عاملی است که فاتحین عراق، جهان سرمایه، روی آن حساب میکنند. و از سوی دیگر توده های مردم عراق پا بمیدان گذاشته اند و خواستار آزادی و برابری و رفاه اند. و این عاملی است که حزب کمونیست کارگری عراق به آن متکی است.

بمنظور متزوی شدن نیروهای ارتجاعی مذهبی و ملی و قومی و اعمال اراده آزادانه مردم باید شرایط سیاسی مناسب برای دخالت مردم در تعیین نظام آتی عراق فراهم شود. این شرایط در اساس همانست که حزب ما در منشور آزادیهای سیاسی اعلام کرده است: آزادی بیقید و شرط عقیده و بیان و مطبوعات، آزادی ترحب و تشکل و اعتصاب و تظاهرات، جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش و آزادی مذهب و بی مذهبی، برابری کامل زن و مرد، برابری همه شهروندان صرفنظر از مذهب و قومیت و ملیت و نژاد و تابعیت، لغو مجازات اعدام، و دستیابی همگانی به رادیو و تلویزیون و سایر رسانه های جمعی. اینها حداقل شرایطی است که امروز در عراق باید برقرار شود تا مردم بتوانند در یک شرایط امن و آگاهانه و آزادانه نظام حکومتی مطلوب خود را انتخاب کنند.

خروج نیروهای نظامی آمریکا و موتلفینش، اداره موقت امور عراق

بوسیله نیروهای سازمان ملل، مبارزه برای تأمین آزادیهای فوق، و متشکل شدن و به صحنه آمدن توده مردم در مقابله با ارتجاعیون مذهبی و ملی و قومی، راه حل چپ برای شکل دادن به حکومت آتی عراق است. این تنها آلتزنایوی است که مردم، و نه سران مذاهب و قبایل و عشایر، را بقدرت خواهند رساند و سناریوی ارتجاعی "تغییر رژیم" آمریکا را خنثی خواهد کرد.

تجربه عراق و تغییر رژیم در ایران

اجازه بدهید در خاتمه نگاهی هم به تاثیرات و پیامدهای جنگ عراق بر وضعیت سیاسی ایران داشته باشیم. در ایران مدنیت است که جنبش سرنگونی نوع دیگری از تغییر رژیم را در دستور کار خود قرار داده است: سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بقدرت مبارزات و انقلاب توده های مردم. تجربه عراق کرچه نشان داد که راه دیگری بجز انقلاب و کودتا برای تغییر رژیمها ممکن است، در عین حال این واقعیت را نیز نمایان کرد که این نوع تغییر رژیم نه تنها خواستها و اهداف مردم را برآورده نمیکند بلکه حاصلی جز ویرانی و خانه خرابی ببار نخواهد آورد. از اینرو آنچه در نگاه اول به نظر میرسد که آلتزنایو تغییر رژیم از بالا، راه حلی که همیشه مطلوب نیروهای سلطنت طلب بوده است، را تقویت میکند به عکس خود تبدیل شد: صحت و حقانیت انقلاب و تغییر رژیم بقدرت انقلابی مردم یکبار دیگر مهر تأیید خورد. معلوم شد که برخلاف تبلیغات نیروهای راست و سلطنت طلب و دزدخداها، انقلاب تنها راه متمدانه و انسانی تغییر رژیمهاست. معلوم شد که مردم برای آنکه از شر یک رژیم دیکتاتوری راحت شوند بی آنکه شهر و خانه و جامعه شان از زمین و هوا کوبیده شود، بی آنکه هرج و مرج و غارت و چپاول بر زندگیشان حاکم شود، و بی آنکه نیروهای مافوق ارتجاعی به جلوی صحنه سیاست رانده شوند، باید انقلاب کنند. و مهمتر از همه یکبار دیگر محتوای واقعی دموکراسی و آزادی به روایت پرچمداران و طرفداران سرمایه داری بازار آزاد بر همگان معلوم شد. اینها درسها و نتایجی است که تجربه عراق برای مردم ایران در بر دارد. این تجربه میتواند و باید زمینه ساز انزوای هر چه بیشتر نیروهای اپوزیسیون راست، و نفوذ و قدرت گیری هر چه بیشتر چپ و آلتزنایو حزب کمونیست کارگری در جنبش سرنگونی طلبانه مردم در ایران باشد. جنبش ما در ایران، در عراق و در سراسر جهان سوسیالیسم را در برابر نظم نوین جهانی قرار میدهد و تنها پیرویهای این جنبش میتواند تضمین کند که فصل تازه ای که با پایان جنگ سرد در تاریخ سیاسی جهان گشوده شده نه به توحش و تباهی، بلکه به آزادی و سوسیالیسم ختم شود. ■

انترناسیونال هفتگی سه ساله شد

سه سال پیش در ۵ مه ۲۰۰۰، منصور حکمت اولین شماره نشریه انترناسیونال هفتگی را منتشر کرد. نقش سردبیری منصور حکمت باعث شد که انترناسیونال هفتگی سریعاً به معتبرترین، پر خواننده ترین و پرتیراژترین نشریه اپوزیسیون ایران بدل شود. انترناسیونال هفتگی در سه سال گذشته هر جمعه و بدون وقفه در ابعاد وسیع و در مقیاس جهانی در اختیار فارسی زبانان قرار گرفته است.

انترناسیونال هفتگی اکنون دیگر فقط نشریه حزب کمونیست کارگری نیست، بلکه همچنین ابزار مهمی در دست جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران است. تریبونی است که بویژه انسانهای چپ و آزادیخواه در جنبش سرنگونی از آن تغذیه میکنند و نظرات و تحلیل ها و رهنمودهای حزب کمونیست کارگری ایران را درباره مسائل سیاسی و اجتماعی ایران و جهان مورد استفاده قرار میدهند و در جهت مبارزه برای رسیدن به آزادی و برابری از آن بهره میگیرند. انترناسیونال هفتگی نشریه کارگران و مردم آزادیخواهی است که علیه حکومت اسلامی سرمایه در ایران و برای برپائی یک جامعه آزاد و برابر مبارزه میکنند. نفوذ گسترده حزب کمونیست کارگری در ایران و جایگاه منحصر بفرد حزب برای تحقق امر آزادی و سوسیالیسم در ایران، بخصوص با توجه به موقعیت رو به زوال جمهوری اسلام، نقش مهم و حیاتی انترناسیونال هفتگی را بیشتر از پیش تاکید میکند. برای همین مهم و ضروری است که انترناسیونال هفتگی به نشریه توده وسیع مردم بدل شود. از اینرو کمک شما خوانندگان و دوستداران عزیز نشریه برای معرفی و در دسترس قرار دادن گسترده تر آن کمک به پیشبرد اهداف حزب و اهداف مردم تشنه آزادی در ایران است. لازم است مجدداً و در آستانه چهارمین سال انتشار انترناسیونال هفتگی از همه عزیزانی که به اشکال مختلف به انتشار و توزیع نشریه کمک کرده اند و میکنند صمیمانه تشکر کنم و امیدوارم همچنان ما را در جهت گسترش دایره خوانندگان و بهبود کار یاری دهند.

فاتح بهرامی

نقش سازمان ملل هم از بند و بستها و نفوذ دولتهای دخیل در این سازمان و متاثر است و ضروری است آن میلیونها مردمی که در جهان در مقابل میلیتاریسم آمریکا ایستادند به کمک نیروهای آزادیخواه و سکولار جامعه عراق بشتابند و فراهم کردن شرایط امن و آزاد سیاسی را به سازمان ملل تحویل کنند. نیروهایی که میخواهند مردم عراق در آزادی و رفاه زندگی کنند بیشک از لحاظ عددی نیروی مهمی هستند. اما این نیرو در مقیاس توده ای متشکل نیست. چند دهه اختناق مطلق، مهمترین بخش این نیرو یعنی طبقه کارگر عراق را از تشکلهای توده ایش محروم کرده است. اما این نیرو در عین حال حزب کمونیست کارگری عراق را در صحنه سیاسی عراق دارد که به عنوان بخش متشکل و پیشرو طبقه کارگر عراق برای جامعه ای مبارزه میکند که در آن در مقابل روسای مذاهب و قبایل و ماموران سیا و پنتاگون، شهروندان آزاد در ساختار سیاسی نمایندگی میشوند؛ در مقابل فقر اقتصادی میلیونی مردم و رفاه طبقات سرمایه دار، همه مردم در رفاه زندگی میکنند؛ و در مقابل دخالت مذهب و سنن ارتجاعی در سیستم قانونی و قضایی کشور، مدرنترین دستاوردهای حقوقی بشریت معاصر دخالت میکنند. باز شدن دفاتر علنی این حزب در بغداد و شهرهای دیگر گام مهمی در رهایی جامعه عراق از دوران تاریک حاکمیت پنتاگون و سرکردگان مرتجع قبیله ای و اسلامی است. حزب کمونیست کارگری برای رسیدن به این هدف، از یکطرف با اردویی از سرکردگان هدف، از طرف دیگر نیروی عظیمی از مردم آزادیخواه و سکولار را در کنار خود دارد. فقط قلمرو شدن حزب کمونیست کارگری و نیروهایی که خواهان زندگی انسانی برای مردم عراق هستند میتواند از سقوط جامعه عراق به دوران کشمکشهای خونین نیروهای ارتجاعی مذهبی-قومی و یا اختناق نظامی پنتاگونی جلوگیری کنند. ■

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

موقعیت جنبش اسلامی در آینده سیاسی عراق

محسن ابراهیمی

ebrahimi1@yahoo.com

دهه و نیم پیش، برای انتقال به زیر درخت سیب رهبر سازی نوفل لوشاتو از موقعیت بسیار مساعد جهانی برخوردار بود. برای محمد باقر حکیم شرایط مشابه خمینی فراهم نیست. ۲- موقعیت جنبش اسلامی در افکار عمومی جهان در مقطع انقلاب ایران و در حال حاضر یک تفاوت اساسی دارد. در آن مقطع، ظرفیت جنبشکارانه جنبش اسلامی برای مردم جهان بر مراتب کمتر آشکار بود. پیش از دو دهه جنایت این جنبش چه در ایران و افغانستان که قدرت داشتند و چه توسط گروههای اسلامی در اپوزیسیون، مخصوصاً بعد از ۱۱ سپتامبر در معرض دید مردم جهان قرار گرفت. امروز اسلام سیاسی برآستی یک پدیده منفور در مقیاس جهانی است. دول غرب برای فروش حکومت اسلامی حتی به مردم کشورهای غرب با مشکل جدی مواجه هستند.

۳- با قدرت گیری جمهوری اسلامی در ایران، جنبش اسلامی برای مدتها از یک پایگاه دولتی برخوردار شد. امروز خود این پایگاه در حال فروپزری است. حکومتی که خودش با بحران حکومتی عمیق مواجه است نمیتواند پشتوانه قابل اتکایی برای راه انداختن همان بساط در کشور بغلی باشد. اگر اسلام سیاسی به قدرت رسیده در ایران امتیازی برای جنبشهای اسلامی آن مقطع محسوب میشود، همان اسلام سیاسی که امروز در حال فروپزری است به مثابه فاکتوری منفی برای دامنه عمل این جنبش در شرایط حاضر عمل میکند.

۴- در ایران، انقلاب عظیم مردم حکومت شاه را ساقط کرد. اما آن انقلاب را دول غرب با حمایت از جنبش اسلامی به شکست کشاندند. جنبش اسلامی روی امواج انقلاب سوار شد و به نام انقلاب، مردم انقلاب کرده را به خون کشید و حاکمیتش را تثبیت کرد. در عراق، حاکمیت حزب بعث نه با یک انقلاب بلکه با قدرت نظامی آمریکا ساقط شده است. در عراق انقلابی رخ نداده است تا دول غرب با حمایت از جنبش اسلامی تلاش کنند به شکستش بکشاند و این جنبش روی امواج این انقلاب سوار شود و به نام انقلاب سرکوش کند و قدرتش را تثبیت کند.

۵- جریانات اسلامی خودشان یک نیروی یکپارچه سیاسی نیستند. دهها آیت الله و دسته اسلامی سر به جمهوری اسلامی و کاخ سفید هر کدام حاضرند دسته های مسلح لمپن خود را به جان هملیگر بیاندازند. ۶- علیرغم تمام فاکتورهای بالا،

هفته گذشته جنبش اسلامی در کریلا یک تظاهرات مذهبی-سیاسی راه انداخت. سی ان ان و بی بی سی بارها و بارها پیکر خونین قمه زنان اسلام را بدون سانسور! در معرض دید مردم حیرت زده جهان قرار دادند. سخنگویان کاخ سفید، آترا جلوه ای از آزادی در جامعه "رها شده" توسط پنتاگون قلمداد کردند! جنبش اسلامی، این تظاهرات را نمایش قدرتی تلقی کرد که براساس آن دامنه سهم بردن در بند و بستهای سیاسی آینده عراق را بیشتر کند. این ستوال مهمی است که جنبش اسلامی از چه امکاناتی برای انداختن سایه شومش بر سر مردم عراق برخوردار است؟ با چه موانعی در این راه مواجه است؟ بی تردید این آرزوی جمهوری اسلامی و مجلس اعلائی اسلامی دست پروده اش است که در خلا قدرت در عراق، یک جمهوری شوم اسلامی مدل ایران پیاده کنند اما این آرزویی از پیش مدفون شده است که با موانع مهمی در جامعه عراق مواجه است. با اینحال جنبش اسلامی برای یوگسلاویزه کردن جامعه عراق از مستعدترین نیروها است.

اجازه بدهید امکانات و موانع جنبش اسلامی در شرایط کنونی عراق را با مقایسه موقعیت این جنبش در مقطع انقلاب ۵۷ ایران دنبال کنیم: ۱- جنبش اسلامی در ایران بدون حمایت کامل غرب و آمریکا غیر ممکن بود به قدرت برسد. آن موقع قدرت گیری این جنبش جایگاه برجسته ای در استراتژی جنگ سردی آمریکا علیه شوروی داشت. جنبش اسلامی امروز از چنین موقعیتی در پیش آمریکا برخوردار نیست. با اینکه دولت آمریکا امروز هم این جنبش را در سطحی تحمل خواهد کرد که به عنوان بخشی از ساختار سیاسی قبیله ای-مذهبی مورد نظر آمریکا به سهمی کنترل شده قانع شود و دولی مثل فرانسه و آلمان نیز در کشمکش خود با آمریکا در نظم نوین جهانی به جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی روی خوش نشان میدهند، هنوز این جنبش نمیتواند جایگاه استراتژیک جنگ سردیش را در میان دول غرب بازیابد. این را هم سران جمهوری اسلامی و هم سران مجلس اعلائی انقلاب اسلامی میدانند. واکنش احتیاط آمیز جمهوری اسلامی در مقابل تهاجم ارتش آمریکا به عراق، اطمینان دانهای محمد باقر حکیم به آمریکا که در صدد برقراری مدل جمهوری اسلامی در عراق نیستند در این واقعیت ریشه دارد. خمینی دو

اپوزیسیون راست پرو غرب، یک قربانی جنگ! طمی اجتماع بزرگی در کرکوک اول مه برگزار شد

علی جوادی

ali_javadi@yahoo.com

جنگ آمریکا علیه عراق قربانیان و تلفات زیادی داشت. مردمی که در زیر بمباران تکه تکه شدند، کودکانی که بی سرپرست و بی خانمان شدند، جامعه‌ای که تبدیل به مخروبه شد، و غیره. اما علاوه بر اینها در محدوده عراق نیستند، این جنگ در اپوزیسیون ایران نیز قربانیان و تاثیرات خود را داشت.

یکی از قربانیان این جنگ اپوزیسیون راست "پرو غرب" و نیروی عمده آن یعنی سلطنت طلبان بود. این جریان به تبلیغ و تکرار همان اهداف جنگی آمریکا و پنتاگون پرداخت: این جنگی علیه تروریسم است، این جنگی برای از میان بردن سلاحهای کشتار دسته جمعی در عراق است، و این جنگی برای آزاد سازی مردم عراق است. اما تنها به این تبلیغات جنگی بسنده نکردند. انبوهی از تبلیغات نژاد پرستانه و ناسیونالیستی را نیز به این مجموعه افزودند، از جمله گفتند که این جنگ باعث نابودی "دشمن ایران" خواهد شد، آمریکا انتقام ما را از عربها گرفت. بی محابا و بدون واهمه رودرروی مردمی قرار گرفتند که علیه این جنگ و مصائب و اهداف آن دست به اعتراض زده بودند، مردمی که با اعتراضات خود خیابانهای بیش از ۲۰۰۰ شهر را جلوه دیگری بخشیده بودند. در فدای جنگ پیامهای تریکشان را تار ششول بند کاخ سفید کردند. پرچمهای آمریکا را بر ماشینها زدند و تلاش کردند در پیروزی ارتش آمریکا سهیم شوند. فریادهای "تنکیو بوش"، "تنکیو بوش" خود را نتوانستند در سینه پنهان نگاهدارند. و بخشهای صریح تر این صف فریاد میزدند: پس از عراق نوبت ایران است.

این صف با جنگ آمریکا علیه عراق به وجد آمد. از جنگ انرژی گرفت. به یکباره امیلوار شدند که گویا میتوان در پس حمایت موشکهای کروز، بمب افکنهای ب ۵۲ و ب ۲، و بمبهای خوشامی و چند تنی راه خود را به قدرت سیاسی پیدا کنند، و چرا و تخت گذشته را اعاده کنند. و چه که نه؟ مگر تاریخ قدرت یابی سلطنت و این نیروها راه متفاوتی در مقابلشان قرار داده است؟ مگر غیر از کودتا و بند و بست با ارتجاع و استعمار و یا اتکاء به میلیتاریسم عنان گسیخته راهی برای نزدیک شدن به اهداف خود دارند؟

اما این جنگ پایونهای این جریانها را به کناری زد. ماهیت ضد انسانی

سیاستهایشان را هر چه بیشتر در انظار عمومی قرار داد. کسانی که هر اعتراض کارگری را نماد "خشونت" قلمداد میکردند، کسانی که اعتراض دانشجویان رادیکال در ۱۸ تیر را کار عدلای "خرابکار" می نامیدند و خواهان محدود کردن ابعاد آن به دعوای جناحهای رژیم اسلامی بودند، کسانی که تبلیغ مبارزه علیه "خشونت" یک لحظه از دهانشان نمی افتاد و کمونیستها و آزادیخواهان را خشونت طلب معرفی میکردند، کسانی که مدعی بودند با "فرانژوم" خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند، و کسانی که انقلاب را عین خشونت و مترادف نابودی و نیستی می نامیدند، به یکباره چهره واقعی خود را نشان دادند. این جنگ به تبلیغاتشان جنبه‌ای واقعی و معنایی زمینی داد! مگر حکومتشان روز خودش در اولین اعتراض مردم اسلحه را به طرف مردم نگرفت و مردم را قتل عام نکرد؟ مگر در زمان حکومت خودشان اوین و شکنجه و ساواک سازمان داده نشد؟ مگر رژیم آدمکشان اسلامی از روی همان لیست ساواک به سراغ چپ ها و کمونیستها و آزادیخواهان ترفت؟

اما این صف علیرغم تصورات و ذوق زدگی های اولیه خود یکی از قربانیان این جنگ بود. آمریکا به لحاظ نظامی در جنگ پیروز شد، اما به لحاظ سیاسی در افکار عمومی شکست خورد. این جماعت نیز در صفوف مردم آزادیخواهی که خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند، ضربه مهلکی خوردند. نشان دادند که برای کسب قدرت حاضرند به هر خس و خاشاک می‌توسل شوند. حتی اگر مردم به خاک و خون کشیده شوند، حتی اگر شالوده جامعه فرو ریزد، حتی اگر مجبور شوند "تامهاک" را "آزادی" و "فارت جامعه" را "جشن مردم" ترجمه و معنا کنند.

راست "پرو غربی" و "تغییر رژیم" از ارتفاع ۳۰ هزار پایی!

سناریوی سیاه عراق، تغییر رژیم از ارتفاع ۳۰ هزار پایی، یکی از طرق دستیابی رویای جریانات سلطنت طلب و دست راستی در ایران است. برخورد این جریان به جنگ تاکیلی بر حقانیت مباحث ما در قبال این جریانات است. ما گفتیم که این جریانات در عمل بدنبال بند و بست، کودتا، همبستی با ارتجاعی ترین جریانات برای هموار کردن راه به قدرت رسیدن خود هستند. ما گفتیم که تبلیغات این جریانات مبنی بر پایبندی به رای مردم را نباید جدی گرفت. راه واقعی اینها برای سرنگونی رژیم اسلامی درست در نقطه مقابل اراده و خواست مردم آزادیخواه

است. آن سناریوی دهشتناکی که در عراق روی داد و حمایت آنها از آمریکا هدف و نیت واقعی این جریانات را روشنتر کرد. ما گفتیم که پروسه تحقق اهداف این جریانات پروسه رو در رویی با خواست و اراده مردم است. ما گفتیم که دو پروسه برای تحقق سرنگونی جمهوری اسلامی در مقابل جامعه قرار دارد: انقلاب مردم یا کودتا و بند و بست و حمله نظامی. گفتیم که در یک طرف صحنه مردم بازیگر و عامل تغییرند در طرف دیگر امثال پنتاگون و ماشین نظامی‌ای مخرب و کشنده. در یکی اراده و آگاهی و شعور مردم و جنبش آزادیخواهی عامل تغییر و تحول است، در طرف دیگر بمب افکنها و انواع موشکها و خمپاره‌های یک غول نظامی. در یکی رژیم سیاسی در پس قیام و انقلاب مردم سرنگون میشود، در دیگری اما هزاران موشک جامعه را نابود میکند و به همراه آن رژیم فرو می‌پاشد. در پس یکی کارگران و زنان و جوانان پرچمدار سازماندهی انقلاب مردم میشوند، متشکل میشوند و متحد میکنند، در دیگری اما ژنرالهای دست به ماشه و مجهز به موشک و توپخانه یک ماشین عظیم نظامی. در یکی مردم برای جلوگیری از کشتار خود اسلحه را از دست رژیم میگیرند و خلع سلاح میکنند، در دیگری اما مردم قربانی مستقیم و غیر مستقیم تهاجم و اهداف سیاست تغییر رژیم" از ارتفاع ۳۰ هزار پایی هستند. در یک صفحه همبستگی و آگاهی و قدرت تشکل مردم است که اوج میگردد، اما در طرف دیگر صفحه بهراره نابودی شیرازه جامعه هر درجه انسانوستی و تشکل و همبستگی نیز زیر بمباران قرار میگردد. در یکی رهبران اعتراضات اجتماعی به جلوی صحنه رانده میشوند، در طرف دیگر اما تانکها و موشکها و ارتشی که اشغال میکند و صدای هر اعتراضی را نابود میکند و اوایشی که جامعه را تخریب میکنند صحنه گردان اوضاع میشوند. در یکی جشن تودها روزی است که حکم برابری و آزادی و نابودی استعمار اعلام میشود، در طرف دیگر اما از قرار زمانی که جامعه تخریب و نابود میشود.

انتخاب مردم از این پس روشن تر و ساده تر است. برای آنکه به آزادی دست یافت، برای آنکه به برابری دست یافت، برای آنکه به خوشبختی و سعادت و رفاه رسید راهی جز همبستگی یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگری که با پرچم آزادی و برابری و رفاه حزب کمونیست کارگری به میدان آمده است، وجود ندارد. به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید! ■

ممتد حاضرین که بعد از چند دهه برای اولین بار در بزرگداشت اول مه شرکت میکردند روبرو شد.

در شهرهای ناصریه و سلیمانیه نیز مراسمهای اول مه برگزار شده است که طی اطلاعیه های بعدی به اطلاع عموم خواهد رسید.

حزب کمونیست کارگری عراق

۱ مه ۲۰۰۳

آدرس و تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری عراق

Iraqi Trade Union Office
WEnd of Al Rashid
Street
Al-Bab Al-Sharqi
Baqdad Iraq

Dar Al-Enthibat
City Center
The Old Court
Karkook Iraq

Governorate of Al-Nasria
Al Kornish Street
Al-Nassiria
Iraq

email address:
wpi_iraq@yahoo.co.uk
tel: 0088-21667760311
6-7 PM London time

میتینگ اول ماه مه در تورنتو

شنبه ۳ مه، ساعت ۲ بعدازظهر

Dundas Square (Yonge & Dundas)

سخنرانی - موزیک - نمایشگاه عکس

مردم آزادیخواه!

برای گرامیداشت روز اتحاد بین المللی طبقه کارگر، در دفاع از جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهی در جهان، علیه قدرقترتی آمریکا و نظم نوین جهانی آن، و برای محکومیت حضور نظامی آمریکا و متحدینش در عراق، به خیابان بیائید و در میتینگ روز جهانی کارگر شرکت کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق - واحد کانادا
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد کانادا

اول مه امسال در ایران جلوه ای از آگاهی کارگران

تلاش رژیم اسلامی و باندهای مزدور خانه کارگر و شوراهای اسلامی برای جلوگیری از برگزاری اول مه در ایران مفتضحانه شکست خورد.

بر اساس گزارشی که تاکنون بدست ما رسیده است روز اول مه علیرغم فضای نظامی در برخی شهرهای ایران و مخالفت رژیم با اول مه به بهانه روز مذهبی، مراسم های متعددی در شهرهای مختلف برگزار شد.

خانه کارگری ها اول مه را به یک روز قبل موکول کردند. اما مراسم آنان با تحریم کامل کارگران مواجه شد. در مراسم های اول مه امسال، سرمایه داری مورد نقی کوبنده قرار گرفت، تهاجم نظامی آمریکا به عراق محکوم گردید.

در قطعنامه و بیانیه سراسری کارگران شهرهای کردستان، با کارگران بهشهر اعلام همبستگی شد و بر حکومت کارگری در عراق به عنوان بدیلی برای اعمال حاکمیت مردم آزادیخواه تاکید شد.

اعلامیه ها و کارت تبریک حزب کمونیست کارگری در شهرهای مختلف توزیع گردید.

قهران:

مراسم اول ماه مه در سالن ورزشی صادقیه در پاسگاه نعمت آباد برگزار شد. این مراسم به دعوت انجمن صنفی کارگران فلزکار و مکانیک برگزار گردید و حدود ۵۰۰ نفر از خانواده های کارگران در آن شرکت داشتند. مراسم ابتدا با یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان رهایی کارگران شروع شد. سپس تاریخچه اول ماه مه قرائت شد. به دنبال مقاله ای درمورد جنگ آمریکا علیه عراق با این تحلیل که نه بحث دموکراسی و نه بحث هایی از این قبیل واقعیت جنگ نیست، بلکه نیاز و حرکت سرمایه واقعیت جنگ است برای حاضرین خوانده شد. مقاله دیگری درمورد بیکاری خوانده شد که در آن به این مساله اشاره شده بود که عامل بیکاری نه سوء مدیریت و نه نبود سرمایه گزاری خارجی و غیره آطور که متفکرین بورژوازی توضیح میدهند، بلکه بیکاری جزو همیشگی و جدایی ناپذیر نظام سرمایه داری است. سپس چند قطعه شعر خوانده شد. در بخش تریبون آزاد کارگر پانزدهمین ای به قول خودش به نقل از آموزگار کارگران، از کارگران جهان متحد شوید و اینکه ما چیزی جز زنجیرهای خود نداریم که از دست بدهیم و مقوله ارزش اضافی صحبت کرد. در آخر قطعنامه ای ۱۶ ماده ای به تصویب شرکت کنندگان رسید. در این قطعنامه از ضرورت بیرون کردن نیروهای آمریکا از عراق و گرفتن قدرت به دست مردم عراق، از حق آزادی هرگونه تشکیل کارگری، از

معضل دستمزدها، حق اعتصاب، حقوق کودکان و نابرابری زن و مرد و ضرورت حقوق برابر صحبت شده بود. در خاتمه مراسم با پخش کاردی از طرف کمیته کارگران برگزار کننده اول ماه مه ۸۲ و در فضایی شاد خاتمه یافت.

سنندج:

ناحیه صنعتی و بسیاری از کارخانه ها و کارگاه های این منطقه چراغانی شد، کارگران بهم تبریک گفتند و شیرینی پخش شد. پارک آبیتر سنندج نیز شاهد حضور هزاران نفر از کارگران و مردم مبارز شهر بود که بمناسبت این روز در جمع های مختلف گرد آمدند و به بحث و سخنرانی پرداختند. قطعنامه سراسری کارگران شهرهای کردستان در جمعیهائی قرائت شد و در میان جمعیت توزیع گردید. و این در حالی بود که نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم در بخشهای مختلف پارک حضور داشتند.

کرمانشاه:

به مناسبت اول ماه مه مراسمی با حضور بیش از ۸۰ نفر در منطقه قازانچی برگزار شد. در این مراسم سخنرانان در مورد اول ماه مه، وضعیت بحرانی منطقه و حضور آمریکا در عراق و انتقاد به ناسیونالیستها بخاطر حمایت از آمریکا در جنگ علیه عراق و امید بستن به آمریکا سخنانی ایراد گردید.

بوکان:

به دعوت سندیکای خیابان بوکان مراسم با شکوهی در یکی از تفریحگاههای اطراف بوکان با شرکت بیش از صد نفر از کارگران خباز و خانوادههایشان از شهرهای بوکان، سقز و مهاباد برپا شد. همچنین تعدادی از کارگران بخشهای دیگر از جمله تعدادی کارگر قالبیاف در مراسم شرکت داشتند. در این مراسم نمایندگان کارگران از شهرهای مختلف در گرامیداشت اول مه و وضعیت کنونی کارگران و بیحقوقی مطلق آنان سخنرانی کردند و در آخر قطعنامه سراسری کارگران شهرهای کردستان قرائت گردید.

پاوه:

مراسمی در یکی از تفریحگاههای این شهر برگزار شد. مراسم با سرود انترناسیونال شروع و بدنبال تعادای از شرکت کنندگان سخنانی به مناسبت روز جهانی کارگر ایراد کردند. مراسم با بحث در زمینه های مختلف ادامه یافت.

همچنین به مناسبت اول مه، غروب روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت، در شهرهای سقز در محلات "تپمالان، شافعی" و "۳۲ متری" و در مهاباد در

میدان "ملاجمی" آتشیهای بزرگی روشن گردید.

در تهران و در شهرهای مختلف بندرعباس، تبریز، کرمانشاه، سنندج، سقز، سردشت، مهاباد و بسیاری از شهرهای دیگر و نیز در تعداد زیادی از کوره خانهای اطراف تبریز کارت تبریک حزب به مناسبت اول مه که همراه با عکسهای از مارکس و منصور حکمت بود پخش شد و در گرامیداشت اول ماه مه شعارنویسی شد.

اخبار مفصلتر برگزاری مراسم اول ماه مه در ایران در اطلاعیه های بعدی خواهد آمد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مه ۲۰۰۳، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۲

متن بیانیه و قطعنامه کارگران در شهرهای کردستان به مناسبت اول مه

این بیانیه و قطعنامه از چندروز قبل از اول مه در شهرهای مختلف کردستان توزیع شده است.

بیانیه کارگران در محکومیت جنگ آمریکا علیه عراق و دفاع از حاکمیت کارگری

کارگران!

مردم آزادیخواه!

اول ماه مه روز جشن اتحاد و همبستگی بینالمللی کارگران است. روز اعلام جرم طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری است. در این روز کارگران پرچمهایی بشریت را به اهتزاز درمی آورند قدرت طبقاتی خویش را علیه کلیت نظام سرمایه داری به نمایش می گذارند.

نظام سرمایه داری از درون دچار بحران، بی ثباتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. شکاف طبقاتی جامعه جهانی را فراگرفته است. تناقضات درونی نظام چارنابنیر و مضمحل کننده است. رکود اقتصادی کربیناگیر دولتهای سرمایه داری است. این نظام برای خلاصی از این وضعیت شکننده نیاز به تولید و بازتولید مناسبات موجود، بازتعریف و تغییر جغرافیای سیاسی در قالب نظم نوین جهانی دارد. جنگ و لشکرکشی، ترورتوتوش، کشتار مردم بی دفاع ارمغان نظام سرمایه داری است. نظام سرمایه داری برای بقای حیات نکبتبار خود نیاز به جنگ دارد.

تهاجم، جنگ افروزی،

کشتارکودکان، کوبیدن موشک کروز و بمبهای هوشمند و خوشای برسر مردم بی دفاع، معامله گری سیاسی و نظامی با دولتها، ناسیونالیستها و مرتجعین محلی، تغییر جغرافیای سیاسی، جایجائی و دست به دست کردن سران حاکمیت، گوشههایی از فرایند سناریوی سیاه است که نظام سرمایه داری به رهبری آمریکا آن را دنبال می کند.

جنگ در منطقه خاورمیانه و عراق بر اساس تامین منافع امپریالیستی و برای سرکوب و عقب راندن جنبش کارگران، جنبش رادیکال اجتماعی و تحلییل بردن توان و پتانسیل انقلابی مردم آزادیخواه انجام می پذیرد.

در مقابل این وضعیت، جنبش کارگران و بشریت متمنن علیه جنگ و نابرابری قرار دارد. پرچم آزادی، مساوات، رفاه، صلح و آسایش را این جنبش برافراشته است، ما کارگران به عنوان بخشی از این جنبش عظیم جهانی تجاوز و جنگ را به شدت محکوم میکنیم. و از حکومت کارگری به عنوان بدیلی برای اعمال حاکمیت مردم آزادیخواه عراق پشتیبانی می کنیم.

زنده باد آزادی!

نابودبادنظامسرمایهداری!

کمیته برگزاری مراسم اول مه

کارگران شهرهای مهاباد، بوکان، کامیاران، سقز، بانه، میوان، سنندج اول ماه مه ۲۰۰۳

قطعنامه کارگران

۱۱ اردیبهشت (اول ماهمه) جشن همبستگی طبقه کارگر سراسر جهان گرامی باد.

بگنار طبقات ستمگر در برابر قدرت کارگران برخورد بلرزند. کارگران جهان متحد شوید!

کارگران! بردگان مزدی امروز نظام سرمایه داری، ناجیان بشریت.

نظام سرمایه داری منشأ کل مصائب، مشقات، فقر و فلاکت و بدبختیهاست. موجودیت این نظام بر اساس استثمار اکثریتی انسان زحمتکش توسط اقلیتی مفتخور بناست. کارگران در برابر دستمزدی بخور و نمیر نیروی کارشان را به سرمایه داران می فروشند، کارگران خالق ثروت، امکانات، رفاه و خوشبختی هستند اما خود بی بهره اند. شکاف طبقاتی در جامعه ما بی داد می کند. ما کارگران ایران در سختترین شرایط کار می کنیم. دسترنجمان در برابر کمترین دستمزد به تاراج می رود. زیر خط فقر بسر می بریم. دستمزدمان

را می زنند. پرداخت حقوقمان را به تعویق می اندازند. هرگاه اعتراض می کنیم توسط سرمایه داران و حامیان آنان از کار اخراج و سرکوب می شویم.

کارگران!

برای رهایی از این وضع فلاکت بار باید متحد و متشکل شویم.

ما کارگران همبستگی خود را با مبارزات کارگران ایران و سراسر جهان برای تحقق مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اعلام می داریم و حمایت خود را از اعتراضات کارگران و معلمان کشور اعلام می کنیم. ما کارگران خواهان تامین مطالبات به شرح زیر می باشیم.

۱- خواهان پرداخت فوری حقوق معوقه کارگران هستیم و همبستگی خود را با کارگران بهشهر برای دریافت حقوق معوقه و کسب مطالباتشان اعلام می داریم.

۲- مزد برابر در مقابل کار برابر برای زن و مرد

۳- با دریافت دستمزد بسیار ناچیز، زندگی ما کارگران زیر خط فقر قرار دارد. خواهان افزایش دستمزد مکفی برای بالا بردن سطح زندگی کارگران هستیم.

۴- آزادی تشکیل برای کارگران بیکار و تامین بیمه بیکاری برای همه افراد بیکار

۵- آزادی تشکیل، تجمع و اعتصاب.

۶- آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان.

۷- جنگ آمریکا و همپیمانانش، دولتها، احزاب و جریانات ناسیونالیست و مرتجع منطقه برضد مردم عراق را

به شدت محکوم می کنیم. دخالت در سرنوشت مردم عراق محکوم است. حق تعیین سرنوشت، حق مردم عراق است.

۸- صف ما کارگران از صف دارودسته خانه کارگر و شوراهای اسلامی مستقل است و اقدامات این نهادهای وابسته به سرمایه داران را در به انحراف کشاندن و سرکوب اعتراضات کارگری محکوم می کنیم.

پیروز باد اول ماهمه!

کارگران شهرهای بوکان، بانه، مهاباد، کامیاران، میوان، سقز، سنندج کارگران خباز، خیاط، فلزکاران، سازمان آب، گاز، برق، نساجی شاهو، نساجی کردستان، سدگاشان، فرش نقشین، فرش چیمین، جمعی از کارگران کورمپزخانههای آزدشهر، شستر ساکن مهاباد و بوکان، کارگران شهرداری، کارگران ساختمان، کارگران شهرک صنعتی

روز جهانی کارگر در سراسر جهان گرامی داشته شد

شرکت فعالین کمونیسم کارگری در تظاهرات اول مه در جهان

اول مه روز جهانی کارگر در اغلب کشورهای جهان با راهپیمایی ها و تظاهرات و شعار دادن و موزیک و کارناوالهای بزرگ گرامی داشته شد. گزارشها بیانگر اینست که مراسم اول مه فضایی ضد کاپیتالیستی و ضد نظم نوین آمریکائی داشت. اعتراض به میلیتاریسم حکومت آمریکا یک موضوع دیگر مهم شعارهای تظاهرات کنندگان و سخنرانیهای اول مه بود. تصاویر بزرگ مارکس به اول مه امسال در بسیاری از شهرها چهره ای دیگر داده بود. از دیگر شعارهای برجسته اول مه شعار کاهش ساعت کار و افزایش دستمزدها بود:

آلمان

کلن: در کلن بیش از ۵ هزار نفر در تظاهرات اول مه شرکت کردند. سخنرانی از اتحادیه د.گ.ب. علیه طرح رفم شورد که قرار است تأمینات اجتماعی را محدود کند سخن گفتند. فعالین حزب کمونیست کارگری در این تظاهرات شرکتی فعال داشتند و میزهای کتاب و میز اطلاعاتی حزب با استقبال وسیعی از جانب شرکت کنندگان روبرو شد.

برلین: موضوع تظاهرات اول مه در برلین موضوع داغ رسانه ها در روزهای قبل بود. دولت آلمان رسماً تظاهرات اول مه را ممنوع اعلام کرده و تنها به اتحادیه د.گ.ب. اجازه تظاهرات داده است. بیش از ۸ هزار پلیس برای جلوگیری از تظاهرات ها شهر را فرق کرده بودند. اما این فضای پلیسی توانست مانع برگزاری تظاهرات متعدد در برلین شود. بنا به یک گزارش ۶۵ تظاهرات مختلف در برلین برگزار شد. در "مویر پارک" حدود ده هزار نفر جمع شدند. تظاهرات کنندگان در اینجا نیز علیه دولت شورد و طرح اصلاحات او سخن گفتند. پلیس به گروههایی از جوانان حمله کرد و درگیری شدیدی ایجاد شد که ساعتها ادامه یافت. در "کروزبرگ" نیز هزاران نفر تجمع کردند. در "آلکساندر پلاز" تجمع اتحادیه د.گ.ب. برگزار شد و هزاران تظاهرات کننده نیز در اینجا به سخنان نمایندگان اتحادیه گوش فرا دادند. حضور حزب کمونیست کارگری در اینجا نیز برجسته بود. میزهای کتاب و پرچمهای مارکس و نشریات متعدد توجه بسیاری از شرکت کنندگان را به خود جلب میکرد. استقبال از کتابها و نشریات حزب زیاد بود.

فرانکفورت: در فرانکفورت نیز هزاران

آمریکا و در حمایت از همبستگی بین المللی کارگران شعار میدادند. شعار "۶ ساعت کار در روز" نیز یکی از شعارهای برجسته تظاهرات بود. حزب کمونیست کارگری در محل تجمع تظاهرات کنندگان میز کتاب و چادر اطلاعاتی بر پا کرده بود. عکس ها و پرچمهای مارکس از دور جلب نظر میکرد. تصاویر منصور حکمت مورد توجه حاضرین قرار گرفت و کتابها و تی شرتهایی با عکس مارکس توسط شرکت کنندگان خریداری میشد. شعار نه به نظم نوین آمریکا نه به کاپیتالیسم بر پلاکاردها نقش بسته بود.

گوتنبرگ: چندین هزار نفر در تظاهرات گوتنبرگ شرکت داشتند. تظاهرات کنندگان در میدان "یرن تورت" گرد آمدند و به سخنرانان گوش فرادادند. سوسن صابری و بکر احمد از حزب کمونیست کارگری ایران و عراق از سخنرانان بودند. هزاران اطلاعاتیه و نشریه حزب پخش شد

مالمو: در مالمو نیز تظاهرات کنندگان علیه نظم نوین آمریکا و کاپیتالیسم شعار دادند و تصاویر مارکس را با خود حمل میکردند.

در شهرهای بروس، بودن، یوله، هلسینبورگ نیز تظاهرات و راهپیمایی صورت گرفت و فعالین حزب کمونیست کارگری اطلاعاتیه های احزاب کمونیست کارگری را در سطح وسیعی توزیع کردند.

فیلادلفیا

هلسینکی: در تظاهرات هلسینکی شرکت کنندگان علیه جنگ طلبی آمریکا و نظم نوین آمریکا شعار میدادند. فعالین احزاب کمونیست کارگری در این تظاهرات میزها و چادر اطلاعاتی برپا کرده بودند و پیرامون سیاست حزب در عراق، اول مه در بغداد و شهرهای دیگر، و مسائل مختلف به مراجعین توضیح میدادند. پوسترهای مارکس و منصور حکمت مورد توجه بسیاری از شرکت کنندگان قرار گرفت.

لاهنی: در تجمع اول مه در این شهر ریواری عارف عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق سخنرانی کرد و مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

در شهرهای تامپره و کیانی نیز اعلامیه های احزاب کمونیست کارگری وسیعاً توزیع شد و پوسترهای متعدد مارکس و منصور حکمت جلب نظر میکرد

فرور: بیش از شش هزار نفر در مرکز شهر اسلو گرد آمدند. تظاهرات کنندگان در اینجا نیز علیه کاپیتالیسم و حکومت آمریکا شعار میدادند. ضدیت با جنگ طلبی حکومت آمریکا و فضای ضد کاپیتالیستی برجسته بود. مارکس در اینجا نیز حضوری برجسته داشت. پرچمهایی با شعار زنده باد اول ماه مه زنده باد سوسیالیسم توسط فعالین و دستناران حزب کمونیست کارگری عراق

فراخوان اعتصاب از جانب معلمان

معلمان تهران و شهرهای دیگر با گردآمن در ادارات آموزش و پرورش در روز سوم اردیبهشت ماه، با صدور بیانیه ای بر خواستهای خود پافشاری کردند و بر ادامه مبارزه برای تحقق این خواستها تاکید نمودند. با توجه به اینکه به خواستهای معلمان پاسخ روشنی داده نشده است، معلمان ۱۳ اردیبهشت را بعنوان روز اعتصاب و توقف تدریس اعلام کرده اند.

معلمان خواهان افزایش حقوق، حق تشکل و آزادی بیان، رفع تبعیض، ایجاد امکانات رفاهی برای بازنشستگان، بیمه درمانی مناسب، تسهیلات مسکن، امنیت شغلی، حق ایاب و ذهاب، اصلاح ساعت کار معلمان ابتدایی و صرف تبعیض در برخورداری از امکانات آموزشی برای دانش آموزان و بعضی خواستهای دیگر هستند.

بیش از دو سال است که معلمان خواستهای خود را طرح میکنند و هنوز به خواستهایشان پاسخی داده نشده است. تصمیم به ادامه اعتراض و مبارزه در یک تجمع معلمان در تهران در ۱۶ اسفند ماه سال ۸۱ گرفته شد. در این جلسه که در اردوگاه با هنر برگزار شد وزیر آموزش و پرورش برای پاسخ به اعتراضات معلمان حاضر شد اما با در ماندگی از پاسخ به اعتراضات معلمان ناچار به ترک جلسه گردید. در همانجا معلمان یکبار دیگر خواستهای و مطالباتشان را بصورت قطعنامه ای به تصویب رساندند و اخطار کردند که اگر تا آخر فروردین ماه ۸۲ به خواستهایشان ترتیب اثر داده نشود دوباره اجتماع خواهند کرد و اگر بازم پاسخی نگیرند در ۱۳ اردیبهشت ماه

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اردیبهشت ۱۳۸۲

۲۹ آوریل ۲۰۰۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دانمارک کپنهاگ: تظاهراتی بمناسبت اول مه در این شهر برگزار شد که توسط اتحادیه های کارگری فراخوان داده شده بود. واحدهای حزب کمونیست کارگری عراق و ایران در این تظاهرات شرکتی فعال داشتند. تصاویر مارکس و شعارهایی علیه کاپیتالیسم و میلیتاریسم حکومت آمریکا مورد توجه و استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. هزاران اعلامیه و نشریه توزیع شد. در کانادا و آمریکا نیز مراسم و میتینگها و تظاهرات اول مه در جریان است.

هلند: در شهرهای آمستردام، رتردام، گرونینگن و برده تظاهرات و مراسم اول مه با حضور صدها تن برگزار شد. واحدهای احزاب کمونیست کارگری در هلند در این تظاهرات ها نیز شرکتی فعال داشتند. هزاران اعلامیه در دفاع از حقوق مدنی مردم عراق و علیه کاپیتالیسم و نظم نوین آمریکا در میان جمعیت توزیع شد

حزب کمونیست کارگری ایران

اول مه ۲۰۰۳ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۲